



دور سوم کمک‌های برنامه جهانی غذا در پروان؛

مردم از عدم توازن شکایت دارند



برنامه جهانی غذا (WFP) دور سوم توزیع کمک‌های مواد غذایی‌اش را در پروان آغاز کرده است. قرار است در این دور کمک‌ها، نزدیک به ۱۰ هزار خانواده در پروان از آن مستفید شوند. همزمان با آغاز این برنامه، شماری از باشندگان پروان از چگونگی روند توزیع کمک‌های بشری شکایت دارند. به گفته آنان، در توزیع این کمک‌ها توازن وجود نداشته و بیشتر کمک‌ها به افراد تکراری توزیع می‌شود. باشندگان پروان همچنان طالبان را به مداخله در تهیه فهرست نیازمندان متهم کرده و می‌افزایند که سقف کمک‌ها در نواحی که طالبان از گذشته‌ها به آن نقاط دسترسی داشتند...

«بدبخت ملتی که به قهرمان نیاز دارد»



کار ساخت یک باب مکتب به هزینه شخصی مردم در غزنی آغاز شد



صبح ۸، غزنی: منابع محلی در غزنی از آغاز کار ساخت یک باب مکتب به هزینه شخصی مردم در این ولایت خبر می‌دهند. منابع روز دوشنبه، ۱۶ اسد، گفتند که سنگ تهادب این مکتب در ساحه قلعه‌آزادخان از مربوطات شهر غزنی، مرکز این ولایت گذاشته شد. به گفته منابع این مکتب در دو طبقه و با داشتن ۱۶ صنف درسی به‌گونه پخته و اساسی اعمار خواهد شد. منابع می‌افزایند که هزینه ساخت این مکتب ۱۵ میلیون افغانی برآورد شده است و از سوی باشندگان محل پرداخت می‌شود. براساس اطلاعات منابع، این مکتب در سال ۱۳۹۴ تاسیس شده است و از آن زمان تاکنون دانش‌آموزان آن در ساختمان‌های کرایه‌ای و فضای باز مصروف آموزش بوده‌اند. هم‌اکنون حدود ۴۰۰ دانش‌آموز دختر و پسر در این مکتب مصروف آموزش هستند. این در حالی است که پیش از این نیز باشندگان غزنی با هزینه شخصی‌شان ساختمان چندین باب مکتب را در این ولایت اعمار کردند.

تفنگ‌داران ناشناس یک فرمانده نیروهای خیزش مردمی حکومت پیشین را در سرپل تیرباران کردند

صبح ۸، سرپل: منابع محلی در ولایت سرپل از تیرباران یک فرمانده نیروهای خیزش مردمی حکومت پیشین از سوی تفنگ‌داران ناشناس در این ولایت خبر می‌دهند. منابع در صحبت با روزنامه ۸ صبح می‌گویند که این فرد یماق خالد نام داشت و شام روز دوشنبه، ۱۶ اسد، در منطقه القانی کلان از مربوطات مرکز سرپل کشته شده است. منابع به نقل از دوستان نزدیک یماق می‌گویند که این نظامی حکومت پیشین پس از برگشت از نماز شام در مقابل دروازه خانه‌اش از سوی افراد مسلح ناشناس تیرباران شده است. یماق پس از سقوط حکومت پیشین به ایران رفته بود، اما حدود سه ماه پیش به دعوت کمیسیون تماس با شخصیت‌های طالبان و با پادرمیانی نظام‌الدین قیصاری، یکی از فرماندهان محلی ولایت سرپل، به کشور برگشته بود. به گفته منابع، یماق پس از برگشت از ایران دفتر سیاحتی باز کرده بود و با هیچ گروهی ارتباط نداشته.



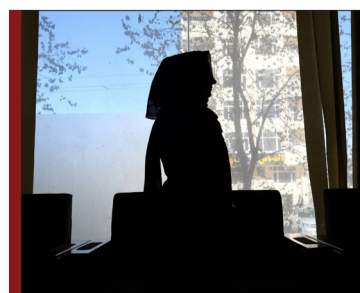
ایران و طالبان؛ خوش بینی زودگذر و دردرس دوام‌دار

یان اگلند: افغانستان برای ناتو در چندین دهه به اندازه اوکراین اهمیت استراتژیک داشت



با این حال، کشورهای جهان و نهادهای مدرسان همواره از وضعیت بد بشری در افغانستان ابراز نگرانی کرده‌اند.

صبح ۸، کابل: دبیرکل شورای پناهنده‌گان ناروی گفته است که افغانستان برای ناتو در چندین دهه به اندازه اوکراین اهمیت استراتژیک داشت. یان اگلند، دبیرکل شورای پناهنده‌گان ناروی روز دوشنبه، ۱۶ اسد، با نشر توییتی نوشته است که کشورهای عضو ناتو برای عملیات نظامی خود در افغانستان تریلیون‌ها دالر هزینه کردند. او نوشته است: این برای چندین دهه ناتو به اندازه اوکراین امروز اهمیت استراتژیک داشت. اکنون آن‌ها حتی کمک‌های غذایی کافی برای کودکان گرسنه‌ای که در سال ۲۰۲۱ پشت‌سر گذاشتند، تامین نمی‌کنند. این در حالی است که شماری به این عقیده هستند که پس از بروز بحران میان روسیه و اوکراین، کشورهای عضو ناتو و غرب توجه بیشتری به کی‌یف نسبت به افغانستان کردند.



افتن و خیزان دوبین در مسیر آرزوها

من در خانواده‌ای که دغدغه آموزش فرزندان‌ش را دارد پا به هستی گذاشتم و زیر دست پدر...



جنگ آگاهی و نان

شنیده نشده است که یکی از رهبران و کلان‌های طالب، از ثروت و قدرتش به سود دین، سنت، فرهنگ یا مردم گذشته باشد. آنان هر چند در سخن از نعمات مادی و زنده‌گی این جهانی به خواری و بی‌میلی یاد می‌نمایند و دیگران را نیز به ترک حرص و تهیه توشه‌های اخلاقی برای جهان پس از مرگ دعوت می‌کنند، اما در عمل برای یک چوکی سودآور و مقامی که قدرت بیشتر به همراه آورد، حاضرند تمام توشه‌های اخلاقی خود را معامله کنند. آنان نقاب اخلاق و دین را پوشیده‌اند تا با اغفال مردم، به منافع مالی و سیاسی برسند. رقابت و درگیری رهبران طالب بر سر تصاحب چوکی‌ها پنهان نیست و زورمندان آن گروه مثل هر قدرت‌طلب و حریصی مشغول افزودن به زور و زر خودند. آنان به خطیبان مساجد دستور می‌دهند که از لزوم کمک به فقیران، زشتی ثروت‌اندوزی و گناه ستم‌گری موعظه کنند، اما خود دست‌خوار رنگین، لباس نو، موتر قیمتی و درآمد هنگفتی را که با نیرنگ به دست می‌آورند، با مستمندان شریک نمی‌سازند، حرص و طمع را مهار نمی‌کنند و دست از ستم برمی‌دارند. در این رقابت زراندوزی و قدرت‌طلبی لحاظ هم‌دیگر را نیز نمی‌کنند. ملاهیت‌الله با وزیرانش درگیر است و می‌کوشد چوکی‌های بیشتری را از جنگ آنان بریابد و وزیران و قوماندانانش در برابر او و علیه هم‌دیگر رقابت دارند تا از منافع نظامی، سیاسی و مالی سهم بیشتر بگیرند.

میان معاش و معیشت رهبران طالب و جنگ‌جویان آن گروه تفاوت طبقاتی شدیدی وجود دارد. فرزندان ملاهای قدرت‌مند طالب با فرزندان جنگ‌جویان آن گروه از جایگاه اجتماعی و اقتصادی مشابه برخوردار نیستند. اولی‌ها در نازو نعمت به سر می‌برند و دیگران در فقر و تنگ‌دستی. اما جنگ‌جویان و توده فریب‌خورده این تناقض را دیده نمی‌توانند و آثانی که می‌بینند، توانایی درک علت‌های این دوگانگی را ندارند و در نتیجه چهره اصلی رهبران فریب‌کار پشت نقاب سیاسی-مذهبی پنهان می‌ماند. چرا که ذهن انسان قالب‌پذیر است و آدم‌ها را با شست‌وشوی مغزی و تربیت معیوب می‌توان چون روبات‌ها برنامه‌ریزی کرد تا پدیده‌ها را مطابق دستور برنامه‌ریزان ببینند و «درک» کنند. از همین رو مدیریت آگاهی در راس اولویت‌های رژیم‌ها و گروه‌های استبدادی است. مستبدان برای آن که مردم را به جنگ‌جویان عاری از استقلال ذهنی بدل کنند و از آنان لشکر فاقد آرزوی فردی، خواست مادی و تمایل این جهانی بسازند، دریچه‌های ذهن‌شان را به روی نفوذ هر گونه آگاهی بیداری بخش می‌بندند. این کار شاید به نام دین، میهن، قوم یا خدا شود، اما هیچ یکی از این عنوان‌ها به اندازه نان به مدیریت دریچه‌های ذهن مردم رابطه ندارد. اگر «ایمان» و اطاعت کورکورانه توده برای مستبدان سود مادی و این جهانی نداشته باشد، هیچ ملا و قوماندان و وزیر زحمت «اصلاح» مردم را به جان نخواهد خرید.

کاری که طالبان با نصاب تعلیمی، مکاتب و دانشگاه‌ها می‌کنند، در ظاهر اقدامات اصلاحی به سود دین، سنت و فرهنگ مردم تبلیغ می‌شود، ولی پشت این ظواهر جنگ نان جریان دارد. طالبان و حامیان‌شان پشت این نقاب‌ها پنهان شده برای تصاحب معادن، گمرک‌ها، مالیات، معاش‌ها و به یک کلام حاکمیت سیاسی و اقتصادی می‌جنگند. دره‌هایی که می‌زنند، محدودیت‌هایی که وضع می‌کنند، اعدام‌ها و شکنجه‌هایی که می‌کنند، اگر منجر به تحکیم قدرت رهبران و قوماندانان آن گروه نگردد و برای آنان نفوذ، شهرت و دارایی بیشتر به همراه نیآورد، از رونق خواهد افتاد.

مخالفان طالبان نیز به آگاهی و نان مردم نگاه این جهانی دارند. میان آنان نیز سودجویان و فرصت‌طلبان بسیارند. اما بین کسانی که نان و شهرت خود را در آزادی مردم و افزایش دسترسی همه به تعلیم و رفاه می‌جویند، با آثانی که از راه سلب آزادی، ترویج نادانی و گرسنه‌گی قدرت می‌جویند، تفاوت بسیار است.

وزارت امر به معروف طالبان: جلو ساحران و جادوگران را در سراسر افغانستان می‌گیریم جهاد می‌نامند



کار می‌کنند توسط این وزارت بازداشت و به دادگاه معرفی خواهند شد.

مهاجر اضافه کرده است: «ساحران و جادوگران به دادگاه معرفی شوند و در اندازه‌ای است که در شریعت برای آن‌ها جواز قتل داده شده است.» او افزوده است: «تعویذ و دم مشکل شرعی ندارد، اما به شکلی که شریعت جواز داده باید به همان شکل انجام شود و در حال حاضر برخی افراد آن را به یک وسیله تجارت مبدل کرده‌اند.»

وی تصریح کرده که به تمام ریاست‌های این وزارت در ولایت‌ها نیز دستور داده شده است که جلو ساحران و جادوگران را بگیرند. این در حالی است که با روی کار آمدن طالبان در افغانستان، این گروه محدودیت‌های زیادی را علیه زنده‌گی اجتماعی شهروندان کشور وضع کرده است.

چندی پیش وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان دروازه آرایشگاه‌های زنانه را نیز مسدود کرد.

۸صبح، کابل: وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان اعلام کرده است که این وزارت جلو ساحران و جادوگران را در سراسر افغانستان می‌گیرد. این سخنان را عاکف مهاجر، سخنگوی وزارت امر به معروف و نهی از منکر طالبان در یک نوار تصویری که روز دوشنبه، ۱۶ اسد، از سوی تلویزیون ملی تحت مدیریت این گروه نشر شده، بیان کرده است. به گفته او، جادوگران که «خلاف شریعت اسلامی»

عاصم منیر: برای سرکوب گروه‌های تروریستی در خاک افغانستان اراده مستحکم داریم



۸صبح، کابل: رییس ستاد ارتش پاکستان گفته است که «تروریستان» از افغانستان به امنیت آن کشور صدمه زده‌اند و برای سرکوب این گروه‌ها در خاک افغانستان اراده مستحکم دارند.

جنرال عاصم منیر، رییس ستاد ارتش پاکستان روز دوشنبه، ۱۶ اسد، در جریان سخنرانی خود در جرگه قبیله‌ای در ایالت خیبرپختونخواه گفته است که برای از بین بردن «شبه‌کله‌های تروریستی» و محافظت از شهروندان این کشور از هیچ تلاشی دریغ نخواهند کرد.

او همچنان طالبان را متهم به فراهم کردن پناهگاه‌های امن به «تروریست‌ها» در خاک افغانستان کرد.

عاصم منیر در پیوند به پناه‌دادن جنگ‌جویان تحریک طالبان پاکستانی (تی‌تی‌پی) در خاک افغانستان به طالبان به گونه پرسشی گفته است که آیا پادشاه مهربانی می‌تواند چیزی غیر از مهربانی باشد؟

این در حالی است که مقام‌های پاکستان همواره طالبان را به دادن پناهگاه‌های امن به جنگ‌جویان تی‌تی‌پی متهم کرده‌اند.

شکنجه پناه‌جویان افغان از سوی مرزبانان ترکیه؛ تصاویر نشر شده قابل دیدن نیست



۸صبح، کابل: پناه‌جویان افغان که قصد ورود به خاک ترکیه را دارند، برخورد مرزبانان این کشور با آنان را «غیرانسانی» خوانده‌اند.

یکی از این پناه‌جویان روز دوشنبه، ۱۶ اسد، در پیامی می‌گوید که مرزبانان ترکیه با شلیک گلوله و با ضربات چاقو شماری از همراهانش را زخمی کرده‌اند.

وی که از گرفتن نامش در خبر خودداری می‌کند افزوده است: «مرزبانان پناه‌جویان را به شدت لت‌وکوب می‌کنند. واقعا کسی در مقابل حیوان چنین رفتار نمی‌کند که این‌ها در برابر مهاجران برخورد می‌کنند.»

آنان از سازمان‌های بین‌المللی می‌خواهند تا جلو رفتار خشونت‌بار نیروهای مرزی ترکیه با پناه‌جویان را بگیرند.

تصاویری که به روزنامه ۸صبح رسیده، آثار شکنجه شدید را روی بدن مهاجران نشان می‌دهد که نشر آن برای مخاطب ناراحت‌کننده است. پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان،

ادعایی که طالبان آن را رد می‌کنند. با این حال، حمله انتحاری اخیر در همایش حزب جمعیت علمای اسلام پاکستان در منطقه باجور در خیبرپختونخواه جان بیش از ۵۰ تن را گرفت و ۲۰۰ زخمی برجا گذاشت. گروه داعش مسوولیت این حمله را به عهده گرفت.

با تسلط طالبان بر افغانستان، ناامنی در پاکستان به شکل بی‌پیشینه‌ای افزایش پیدا کرده است.

یونیسف:

۲۶ درصد کودکان آسیای جنوبی به‌شمول افغانستان با گرمای شدید مواجه هستند

۸صبح، کابل: صندوق حمایت از کودکان سازمان ملل (UNICEF) می‌گوید که بیشترین کودکان در کشورهای آسیای جنوبی به‌شمول افغانستان در معرض گرمای شدید قرار دارند.

بخش آسیای جنوبی یونیسف روز دوشنبه، ۱۶ اسد، اعلام کرده است که حدود ۴۶۰ میلیون کودک در افغانستان، بنگله‌دیش، هند، مالدیو و پاکستان در معرض خطر بسیار بالایی از تأثیرات تغییرات آب‌وهوایی قرار دارند.

براساس یافته‌های این نهاد بین‌المللی از هر چهار کودک در جنوب آسیا، سه کودک در معرض دمای بسیار بالا قرار دارند.

علاوه بر این، داده‌ها همچنان نشان می‌دهد که ۲۸ درصد از کودکان در سراسر آسیای جنوبی در معرض افزایش ۴٫۵ درجه‌ای موج گرما در سال هستند.

جولای گرم‌ترین ماه ثبت شده در سطح جهان بود و نگرانی‌های بیشتری را در مورد آینده ایجاد کرد که در آن کودکان از جمله کسانی که در جنوب آسیا زنده‌گی می‌کنند با موج گرمای پی‌هم و شدیدتر مواجه شوند.

سانجی ویجسکرا، مسوول منطقه‌ای یونیسف در جنوب آسیا، گفته است: «گرمای اینجا خطرات تهدید کننده زندگی را برای میلیون‌ها کودک آسیب‌پذیر به همراه دارد. ما به‌ویژه در مورد نوزادان، کودکان نوپا، کودکان مبتلا به سوء‌تغذیه و زنان باردار نگران هستیم، زیرا آنها در برابر گرم‌زده‌گی و سایر عوارض جدی آسیب‌پذیر هستند.»

برپایه اطلاعات یونیسف ایالت سند جنوبی پاکستان به‌ویژه یعقوب‌آباد، گرم‌ترین شهر جهان در سال ۲۰۲۲ بود که گرمای در این منطقه زنده‌گی حدود ۱٫۸ میلیون تن را با خطر روبه‌رو کرده است.

این در حالی است که در افغانستان نیز در جریان ماه سرطان و اسد، ده‌ها کودک در پی گرم‌زده‌گی راهی شفاخانه شدند.



تفنگ‌داران ناشناس یک مرد را در پروان تیرباران کردند

۸صبح، پروان: منابع محلی در پروان از کشته شدن یک مرد ۴۶ ساله از سوی تفنگ‌داران ناشناس در این ولایت خبر می‌دهند.

این رویداد حوالی ساعت ۳:۰۰ پس از چاشت روز دوشنبه، ۱۵ اسد، در روستای باعث‌خیل ولسوالی کوه صافی رخ داده است.

این مرد ملا احمدخیل نام داشت و در مزرعاش از سوی تفنگ‌داران ناشناس تیرباران شده است.

طالبان نیز وقوع این رویداد را تأیید کرده و گفته‌اند که تا کنون انگیزه قتل این مرد معلوم نیست.

قتل‌های مرموز در ماه‌های اخیر در شماری از ولایت‌های کشور، به‌ویژه پروان افزایش یافته است.

در آخرین مورد، در تاریخ ۳ اسد سال جاری یک زن در دره قمچاق ولسوالی سیاه‌گرد این ولایت، به‌گونه مرموز نخست زخمی و سپس جان‌باخت.

نظامیان پیشین نباید مورد عزت و احترام قرار گیرند



امین کاوه

گروه را به بازخوانی حوادث و جنگ ۲۰ سال گذشته نیروهای امنیتی علیه طالبان، ترغیب می کند. والی طالبان برای بلخ در این نوار تصویری که ظاهراً در نشست در شهر مزار شریف ثبت شده، خطاب به طالبان می گوید که آنان نباید نیروهای امنیتی حکومت پیشین را قابل بخشش بدانند، با آنان نان بخورند و دوستی کنند. این مقام طالبان به نقل از ملا هبت الله گفته است که نباید نیروهای امنیتی پیشین تایید و عزت شوند. او در این نوار تصویری می افزاید: «ما را به پشت تانکها کشاندند. علیه ما حرفهای زشت می گفتند. آن لحظهها را شما چگونه فراموش می کنید که در عقب رنجر می کشاندند و امروز آنان را به صفوفتان آورده، همراهشان نان می خورید؟ به مجاهدین خود اول توجه داشته باشید.»

این اظهارات چهره نزدیک به رهبر طالبان در حالی رسانه‌ای شده است که این گروه در جریان دو سال گذشته به طور سیستماتیک و هدفمند نیروهای امنیتی حکومت پیشین را بازداشت و شکنجه کرده یا به قتل رسانده است. طالبان در جریان بیش‌تر از سه ماه گذشته ۷ تن از نظامیان پیشین را زیر شکنجه کشته‌اند. افزون بر این، ۴ تن دیگر را تیرباران و ده‌ها تن دیگر را بازداشت کرده‌اند.

شکنجه‌هایی که با مرگ پایان می‌یابد

به‌تازگی یک نظامی پیشین در ولسوالی جرم بدخشان پس از شکنجه طالبان جان باخته است. این نظامی پیشین که فریدون نام داشت، در جریان ۸ ماه گذشته، ۴ بار به اتهام همکاری با حکومت

طالبان در دو سال گذشته به‌طور دوام‌دار از نظامیان پیشین انتقام گرفته‌اند. در تازه‌ترین مورد، محمد وسف وفا، والی طالبان برای بلخ و از چهره‌های نزدیک به ملا هبت‌الله‌آخوندزاده، رهبر این گروه، در نشست در شهر مزار شریف گفته است که مسوولان و جنگ‌جویان این گروه نباید نیروهای امنیتی پیشین را ببخشند. او تاکید کرده که طالبان باید گذشته را به یاد بیاورند و دست از تایید و تکریم نظامیان پیشین بردارند. او در بخشی از سخنانش به گفته‌های ملا هبت‌الله نیز اشاره کرده که در آن، علیه نظامیان پیشین سخن رفته است. طالبان در جریان دو سال گذشته نظامیان پیشین را در ولایت‌های مختلف بازداشت و شکنجه کرده یا به قتل رسانده‌اند. براساس گزارش‌ها، ده‌ها تن از این نیروها، ناپدید شده و شمار زیاد دیگر هم‌اکنون در زندان‌ها زیر شکنجه طالبان دست‌وپنجه نرم می‌کنند. در جریان بیش‌تر از سه ماه گذشته ۷ نظامی زیر شکنجه جان باخته، ۴ نیروی امنیتی تیرباران شده و بیش‌تر از ۲۰ تن دیگر بازداشت شده‌اند. در عین حال، بازداشت ده‌ها تن دیگر به دلیل نگرانی خانواده‌های‌شان رسانه‌ای نشده است.

یک نوار تصویری در شبکه‌های اجتماعی نشر شده که جریان سخنرانی محمدیوسف وفا، والی طالبان برای بلخ و از چهره‌های نزدیک به ملا هبت‌الله‌آخوندزاده، رهبر این گروه، را نشان می‌دهد. این مقام طالبان در این نوار تصویری مقام‌ها و جنگ‌جویان این

طالبان در دو سال گذشته به‌رغم اعلام عفو عمومی، در ولایت‌های مختلف دست به انتقام‌جویی زده‌اند. این گروه، در جریان انتقام‌گیری‌هایش به وابسته‌گان نظامیان پیشین هشدار داده که از صحبت با رسانه‌ها خودداری کنند. برخی از منابع در گفت‌وگو با روزنامه ۸ صبح تایید می‌کنند که نزدیکان آنان در بازداشت طالبان بهسر می‌برند، اما بنابر هشدار این گروه، نمی‌توانند جزئیات بازداشت وابسته‌گان‌شان را رسانه‌ای کنند.

قبل از سوی طالبان بازداشت و مکرراً شکنجه شد. منابع می‌گویند که گرده‌های فریدون در پی شکنجه طالبان از فعالیت بازماند و به جان باختنش منجر شد.

گزارش‌ها می‌رساند که شکنجه نظامیان پیشین در بازداشت‌گاه‌های طالبان به یک روبه عادی بدل شده است. منابع می‌گویند که یک افسر ارتش حکومت پیشین به‌نام آصف خان خیبر پس از ۱۵ ماه در زندان طالبان، زیر شکنجه جان باخته است. به گفته منابع، میرویس نورزایی، نظامی دیگری است که زیر شکنجه طالبان در ولایت هرات جان باخته است. سید معراج‌الدین، فرمانده یک کندک ارتش پیشین در ولایت جوزجان و محمد ابراهیم جهادیار، یکی از جنرالان وزارت دفاع حکومت پیشین نیز تحت شکنجه طالبان جان باخته‌اند.

آمارها نشان می‌دهد که اعضای خانواده‌های طالبان نیز نظامیان پیشین را به قتل رسانده‌اند. اعضای خانواده یک جنگ‌جوی کشته‌شده طالبان در ولایت بغلان یک نظامی پیشین را از خانه‌اش بیرون کرده و پس از شکنجه به دار آویخته‌اند. این نظامی پیشین محمدهاشم نام داشته و در یکی از پاسگاه‌های امنیتی حکومت قبلی در روستای حسین خیل بغلان مرکزی وظیفه اجرا می‌کرد. برخی از نیروهای امنیتی پیشین در نتیجه شکنجه طالبان به حالت کوما رفته‌اند. یک عضو پولیس سرحدی در ولایت قندهار، پس از شکنجه طالبان به کوما رفته و سپس به خانواده‌اش تسلیم داده شده است.

بازداشت و کشتار دوام‌دار نظامیان پیشین

طالبان در جریان دو سال گذشته ده‌ها تن از نظامیان پیشین را تیرباران کرده‌اند. آمار دقیق از تیرباران این نیروها توسط طالبان مشخص نیست، اما در کم‌تر از ۴ ماه گذشته، ۴ نظامی پیشین تیرباران شده‌اند. مجاهد، یک تن از فرماندهان پولیس محلی پیشین، توسط طالبان در روستای زیارت نورلام صاحب ولسوالی علینگار ولایت لغمان تیرباران شد. به گفته منابع، جنگ‌جویان طالبان پس از تیرباران این

نظامی پیشین، از ساحه فرار کردند. فضل، پولیس در حکومت قبلی نیز در شهر شرنه، مرکز ولایت پکتیکا، به قتل رسید. منابع می‌گویند که این نظامی پیشین، در میانه‌های سرطان، مورد تیراندازی دو فرد موتورسیکل‌سوار قرار گرفت. منابع این حادثه را به طالبان نسبت می‌دهند و می‌گویند که این نظامی پیشین به‌تازگی از ایران برگشته بود. محمد جعفر، عضو نیروهای ویژه ارتش حکومت پیشین در ولسوالی وامای ولایت نورستان نیز تیرباران شد. به گفته منابع، جسد تیرباران‌شده این نظامی پیشین، در میانه‌های ثور سال جاری پیدا شد.

طالبان افزون بر تیرباران کردن نظامیان، غیرنظامیانی را که از این گروه انتقاد می‌کردند نیز به قتل رسانده‌اند. یک باشنده ولسوالی روی دوآب سمنگان هنگامی که می‌خواست از یک فرمانده محلی این گروه به وزیر داخله طالبان شکایت کند، کشته شد.

طالبان در دو سال گذشته به‌رغم اعلام عفو عمومی، در ولایت‌های مختلف دست به انتقام‌جویی زده‌اند. این گروه، در جریان انتقام‌گیری‌هایش به وابسته‌گان نظامیان پیشین هشدار داده که از صحبت با رسانه‌ها خودداری کنند. برخی از منابع در گفت‌وگو با روزنامه ۸ صبح تایید می‌کنند که نزدیکان آنان در بازداشت طالبان بهسر می‌برند، اما بنابر هشدار این گروه، نمی‌توانند جزئیات بازداشت وابسته‌گان‌شان را رسانه‌ای کنند.

طالبان در ادامه سیاست انتقام‌گیری، ده‌ها تن از نیروهای امنیتی پیشین را بازداشت کرده‌اند. کمال‌الدین، فرمانده کندک ریاست محافظت عامه حکومت پیشین در ولایت میدان‌وردک، در ریاست «۰۳۱» استخبارات طالبان زندانی و به‌گونه شدید شکنجه شده است. احمد فواد و شکور، نظامیان دیگری هستند که در ولایت‌های کابل و بادغیس بازداشت و شکنجه شده‌اند. خان عالم، طلا محمد، وثیق‌الله، ثناء‌الرحمان، صبرو رضایی، غیاث‌الدین، شیرین آغا، الماس سروری، مسلم، بریالی، جنرال حسین خان سنگین، جمشید و ده‌ها تن دیگر از نظامیان پیشین در ماه‌های پسین بازداشت و شکنجه شده‌اند.

والی طالبان برای بلخ در حالی صحبت از انتقام‌جویی از نیروهای امنیتی پیشین می‌کند که براساس یکی از فرمان‌های نشرشده ملا هبت‌الله‌آخوندزاده، رهبر طالبان، کشتار اسیران جنگی از سوی این گروه تایید شده، به شرط این که از آن عکس‌برداری نشود. طالبان در جریان سال جاری شماری از فرمان‌های ملا هبت‌الله‌آخوندزاده را در یک جریده رسمی نشر کردند که بسیاری از عملکردهای پنهانی و فراقانونی این گروه را در دو سال گذشته آشکار می‌کند.

این در حالی است که سازمان‌های حقوق بشری به‌شمول کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به‌طور پیوسته از بازداشت، شکنجه و کشتار نیروهای امنیتی پیشین، به‌شدت ابراز نگرانی کرده‌اند. این نهادها از طالبان خواسته‌اند تا به آزاروآذیت و قتل نیروهای امنیتی پیشین، نقطه پایان بگذارند. پیش از این، کمیسیون حقوق بشر افغانستان گفته که طالبان نظامیان پیشین را به‌گونه «ظالمانه بازداشت، شکنجه و سپس به‌صورت بی‌رحمانه با ابزارها و روش‌های بسیار دردآور» به قتل می‌رسانند. گفتنی است که روزنامه نیویارک‌تایمز در گزارش تحقیقی‌ای ۶ ماه نخست حاکمیت طالبان را بررسی کرده که در آن، وعده طالبان مبنی بر عفو عمومی «فریب» توصیف شده است.

دور سوم کمک‌های برنامه جهانی غذا در پروان؛ مردم از عدم توازن شکایت دارند

۸ صبح، پروان

برنامه جهانی غذا (WFP) دور سوم توزیع کمک‌های مواد غذایی‌اش را در پروان آغاز کرده است. قرار است در این دور کمک‌ها، نزدیک به ۱۰ هزار خانواده در پروان از آن مستفید شوند. همزمان با آغاز این برنامه، شماری از باشنده‌گان پروان از چگونه‌گی روند توزیع کمک‌های بشری شکایت دارند. به گفته

آنان، در توزیع این کمک‌ها توازن وجود نداشته و بیشتر کمک‌ها به افراد تکراری توزیع می‌شود. باشنده‌گان پروان همچنان طالبان را به مداخله در تهیه فهرست نیازمندان متهم کرده و می‌افزایند که سقف کمک‌ها در نقاطی که طالبان از گذشته‌ها به آن نقاط دسترسی داشتند، نسبت به هر نقطه دیگر این ولایت بیشتر است. با این حال، باشنده‌گان پروان خواستار توزیع عادلانه کمک‌های نهادی

امدادرسان بین‌المللی به‌ویژه سازمان ملل متحد در این ولایت‌اند. برنامه جهانی غذا (WFP) دور سوم توزیع کمک‌هایش را روز سه‌شنبه، ۳ اسد، در پروان آغاز کرده و قرار است در این دوره دست‌کم نه هزار و ۸۳۰ خانواده از آن مستفید شوند. بربنیاد اعلام مقام‌های محلی طالبان در پروان، قرار است یک هزار و ۶۰۰ خانواده در ولسوالی سیاه‌گرد، ۴۸۰ خانواده در سیدخیل،

۶۶۰ خانواده در جبل‌السراج، ۸۳۰ خانواده در سالنگ، ۷۵۰ خانواده در شیخ‌علی، ۷۱۰ خانواده در سرخ‌پارسا، ۹۴۰ خانواده در شینواری، یک هزار و ۳۵۰ خانواده در بگرام و یک هزار و ۸۰۰ خانواده در شهر چاریکار از کمک‌های برنامه جهانی غذا مستفید شوند.

بازار تروریسم و تاجران پر شمار



یونس نگاه

گروه‌های تروریستی نیز بر اساس نیاز بازار جنگ شکل می‌گیرند و دولت‌ها در پرورش و حفظ این گروه‌ها نقش دارند. حضور اختطاف‌چی‌ها، آدم‌کشان حرفه‌ای، قاچاق‌بران، دزدان و جنایت‌کاران در صفوف و رهبری این گروه‌ها بسیار پررنگ است. پنج هزار زندانی که در سال آخر جمهوری اسلامی آزاد شدند و در میان‌شان جنایت‌کاران غیرطالب نیز بودند، شاهد زنده و تازه این مدعا در سرزمین خود ماست.

بی‌دریغ پاکستان و ناتوانی مردم افغانستان در دفاع از سرزمین‌شان، و نیز ضرورت امریکا و دیگر کشورهای ذی‌دخل به داشتن سرمایه‌های جنگی، صاحب کشور شده‌اند. طالبان با گذشت زمان مثل تریاک افغانستان به کالای مهم و وسوسه‌برانگیزی بدل گردید که طرف‌های مختلف جنگ و سیاست، به بهره‌گیری از آن علاقه‌مند شدند. همان طوری که مالک تریاک افغانستان را نمی‌توان گروه یا طرف مشخص عنوان کرد و از دهقان تا دکان‌دار محلی، تا قاچاق‌بران و مافیای منطقه، تا مصرف‌کننده‌گان و فروشنده‌گان جهانی در آن دخیل‌اند، مالکیت طالبان نیز اکنون بسیار پیچیده‌تر از آن است که به پاکستان یا امریکا محدودش کنیم. درست است که امروز ملا هبت‌الله و گروهش می‌توانند با فرمانی موج کشت و تولید مواد مخدر را مدیریت کنند و بر قیمت بازار و مقدار عرضه اثر بگذارند، اما آن گروه به تنهایی نمی‌تواند سرنوشت مزارع تریاک افغانستان و شبکه‌های قاچاق و توزیع آن زهر را تعیین کند، بلکه زنجیره عرضه و تقاضای آن در سراسر جهان پیچیده و غیر از طالبان، مالکان و برنامه‌سازان موثر دیگر نیز وجود دارند. همین‌طور مدیریت کالای تروریسم و تندروی در افغانستان، به‌خصوص مدیریت طالبان اگرچه به دست امریکا و پاکستان است، اما دولت‌ها و نیروهای بسیاری در تجارت آن کالای آلوده دخیل گشته‌اند. از نقش دولت‌ها اگر بگذریم، نکته‌ای که کمتر به آن پرداخته شده، سهم نیروهای غیرطالب در تقویت طالبان و اکنون حفظ امارت آن گروه است. به یاد داریم که چگونه تحصیل‌کرده‌گان، سیاستمداران، تکنوکرات‌ها و حتی گروه‌های سیاسی که آجنداهای غیرطالبانی داشتند، زمانی که طالبان طرف اصلی معامله قدرت‌ها قرار گرفتند، وارد رقابت تماس و معامله با این گروه شدند. عده‌ای برای دوری جستن از تیغ طالبان، عده‌ای برای استفاده از گروه طالب برای حذف رقیبان و کسانی برای دستیابی به مقام و ثروتی در دوره حاکمیت طالبان وارد معرکه شدند. آنانی که اختلاف فکری با حاکمیت طالبانی داشتند، برای هم‌سویی با روند

آدم‌کش دسته‌بندی می‌کنند. گروه‌های تروریستی نیز بر اساس نیاز بازار جنگ شکل می‌گیرند و دولت‌ها در پرورش و حفظ این گروه‌ها نقش دارند. حضور اختطاف‌چی‌ها، آدم‌کشان حرفه‌ای، قاچاق‌بران، دزدان و جنایت‌کاران در صفوف و رهبری این گروه‌ها بسیار پررنگ است. پنج هزار زندانی که در سال آخر جمهوری اسلامی آزاد شدند و در میان‌شان جنایت‌کاران غیرطالب نیز بودند، شاهد زنده و تازه این مدعا در سرزمین خود ماست. در منطقه ما، گروه‌های تروریستی هم‌پای حضور اردوهای خارجی و درگیری‌های بازیگران بزرگ جنگ ظهور کرده، قدرت گرفته و بعد ناپدید شده‌اند و یا تغییر چهره و ماموریت داده‌اند. قدرت‌گیری داعش در خاورمیانه در حدی که ادعای سرزمینی داشت، منابع نفتی را کنترل می‌کرد و مرزهای سیاسی را برهم می‌زد، تنها در سایه حضور لشکرهای متخاصم دولت‌هایی به قدرت‌مندی امریکا و روسیه ممکن بود. اکنون که تقابل گرم میان قدرت‌های بزرگ در آن منطقه به تعلیق درآمده، قدرت نیروهای تروریستی نیز در آن سرزمین‌ها افول کرده است. در جنگ‌های سوریه، تمام طرف‌ها (ایران و روسیه، ترکیه، امریکا و ناتو) گروه‌های شبه‌نظامی و آدم‌کشان حرفه‌ای را ایجاد کرده بودند که در بدل پول می‌جنگیدند. هسته‌های اصلی آن گروه‌ها هنوز در منطقه ما تحت حمایت دولت‌ها زنده نگه داشته شده و برای جنگ‌های احتمالی، مثل ذخایر تسلیحاتی حفاظت می‌شوند. افغانستان، اکنون مهم‌ترین دیپوی جنگ‌جویان قراردادی و آدم‌کشان حرفه‌ای شده است. طالبان شاید خوش‌شانس‌ترین گروه تروریستی منطقه ما باشد که به دلیل حمایت



طالبانیزه‌سازی کشور توجیهاتی می‌تراشیدند و از جمله تغییر طالبان را بهانه می‌آوردند. هنوز تبلیغ تغییر طالبان سر زبان‌هاست. امریکا و کشورهای دیگر غربی هم‌زمان با تماس و همکاری با طالبان، تبلیغ می‌کنند که چشم‌به‌راه تغییر سیاست‌های طالبانند و تا زمانی که فلان تغییرات در سیاست‌های طالبان نیاید، حکومت آن گروه را به رسمیت نمی‌شناسند، اما برای منافع سیاسی و اطلاعاتی تماس و تعامل با آن گروه را لازم می‌دانند. افراد و طیف‌های سیاسی داخلی که در برابر طالبان سکوت کرده‌اند و یا همراهی با آن گروه را تبلیغ می‌کنند، نیز مدعی‌اند که طالبان این‌گونه نخواهند ماند و تغییر خواهند کرد. ملا هبت‌الله و امارتش، برای خیلی از طرف‌های داخلی و خارجی فرصت‌طلب و سودجو، پلی به نظر می‌رسد که آنان تلاش دارند از روی آن به میدان تازه‌ای وارد شوند که آن‌جا بر رقیبان خود پیروز باشند. از این رو تماس و همکاری با طالبان در آینده تصوراتی که افراد، گروه‌ها و دولت‌ها برای افغانستان پس از طالبان دارند، معنا می‌یابد. به‌ندرت حامیان و لابی‌گران طالب را می‌توان یافت که مثلاً با فرامین ملا هبت‌الله علیه زنان و آموزش موافق باشند و آرزو داشته باشند طالبان کشور را از تمام نشانه‌های زنده‌گی شهری و مدرن خالی سازند، بلکه آنان تصور می‌کنند که این دوره موقت سرکوب و خشونت مسیر را برای افغانستانی که در ذهن دارند هموار خواهد کرد. نگاه آنان به طالبان مثل نگاه پوتین به گروه واگنر، استفاده‌جویانه و ابزاری است، با این تفاوت که پوتین لگام واگنر را به دست دارد و می‌تواند ماموریت آن گروه را مشخص سازد، اما لابی‌های طالب در تصورات خود با این گروه بازی می‌کنند. آنان تلاش دارند با ایستادن کنار طالبان، با رقیبان اقتصادی، فرهنگی و سیاسی خود بجنگند.

کاشت تریاک به امید نجات از فقر یا رقابت با همسایه، در آغاز شاید اقدام وسوسه‌برانگیزی بیاید و هیجان خلق کند، اما تریاک وقتی به قریه‌ای وارد شد، پیش‌فرض‌های بسیاری را برهم می‌زند و چالش‌های فراوان به همراه می‌آورد. حمایت از طالبان و بازی با تروریسم و ارتجاع در بازی‌های سیاسی، بسیار پرخطرتر از وارد شدن به بازار تریاک است. اگر می‌توانستیم در سال‌هایی که مذاکره و همکاری با طالبان در حال رونق‌گیری بود وضعیت امروز را تصوری کنیم، خیلی از لابی‌ها و حامیان تحصیل‌کرده طالب، آنانی که استاد دانشگاه، مقام دولتی، تاجر، محصل و فعال سیاسی جهان‌دیده بودند، به احتمال زیاد در تصمیم خود تجدید نظر می‌کردند. اگر آنان می‌دانستند که طالبان وقتی به قدرت برگشتند خود اینان را نیز از سیاست، اجتماع و اقتصاد حذف می‌کنند، آنگاه احتمالاً علیه طالبانی شدن کشور می‌ایستادند. اگر آنان می‌دانستند که خود نیز مجبور به ترک وطن می‌شوند، زندانی و یا ترور می‌گردند، دختران‌شان از مکتب محروم می‌شوند و همسران‌شان از کار منع می‌گردند، به احتمال زیاد دست از همکاری با طالبان می‌کشیدند. متأسفانه چنین نبود. دست‌های پر قدرتی گروه طالب را به بازار جنگ و سیاست عرضه کرده بود و معامله‌گران بسیار وارد آن بازار شدند.

امروز نیز تصور فردای دلخواهی که برخی از دوره پس از طالبان دارند، فریبنده است. کشورها و بازیگران خارجی از دور و با هزینه کم با این گروه بازی می‌کنند و از این‌که کشور ما را دیپوی گروه‌های تروریستی ساخته‌اند، آسیب مستقیم چندان متحمل نمی‌شوند. برای آنان افغانستان ذخیره‌گاه ابزار خطرناک جنگی است، اما برای مردم افغانستان بازی با سرنوشت مردم و آینده وطن است. آیا گذشت زمان لابی‌ها و حامیان طالب را متوجه خواهد ساخت که میان طالبان ذهنی آنان و طالبان واقعی بسیار فاصله است و باید از حمایت آن گروه دست بردارند؟

۶۶

جمهوری فرو و پاشید و طالبان به قدرت رسیدند. من به زمین خوردم، مثل شیشه شکستم، فکر کردم همه چیز تمام شد. درب مکاتب به روی دختران بالاتر از صنف ششم بسته شد. قصه‌هایی شنیده بودم از دور اول حکومت طالبان، ویدیوهایی دیده بودم که رفتار طالبان را با زنان و دختران نشان می‌داد، احساس کردم که رسیدن به آرزوهایم محال شد با آمدن طالبان، افسرده شدم.

افتان و خیزان دویدن

در مسیر آرزوها

آناهیتا خاوری

من در خانواده‌ای که دغدغه آموزش فرزندان را دارد پا به هستی گذاشتم و زیر دست پدر و مادری بزرگ شدم که سواد خواندن و نوشتن ندارند؛ اما به‌خاطر آنکه فرزندان خود را در بهترین شرایط بزرگ کنند از هیچ تلاشی دریغ نکردند. در کودکی تا یادم می‌آید آرزوهای بسیار کوچک داشتم؛ می‌خواستم خانه بزرگی داشته باشم که اتاق من جدا باشد و پنجره‌اش به طرف باغ باشد تا من صبح‌ها بتوانم پرندگان را روی شاخچه‌های درختان تماشا کنم. می‌خواستم موتر داشته باشم و خیلی چیزهای دیگر که شاید برای یک عده در لیست آرزوهای شان نباشد. به‌دلایلی به آرزوهای خود نرسیدم. مانند دختران دیگر در افغانستان که نتوانستند آرزوهای خود را دنبال کنند، من هم نتوانستم.

آنچه که مرا خوش حال می‌سازد این است که با وجود نرسیدن به آرزوهایم توانستم یک قدم به آن‌ها نزدیک‌تر شوم. می‌دانم اگر در خانواده دیگری بودم، حتا نزدیک شدن به آن‌ها هم محال می‌بود. زمانی که مکتب را آغاز کردم پنج سال سن داشتم. اولین استاد من اولین دوستانم مثل روز اول به‌یادم است. مساحت مکتب ما بزرگ بود و یک دهلیز بسیار طولانی داشت، داخل آن صنف‌های درسی پهلوی هم قرار گرفته بودند. صنف درسی ما شماره سوم بود. اولین استاد ما «نسیمه» نام داشت. او بسیار مهربان بود. مکتب ما از لحاظ تجهیزات درسی چنان‌که باید پیشرفته نبود، تا جایی که برای شناساندن اعداد به ما از حبوبات چون لوبیا و نخود استفاده می‌کردند؛ اما ما به همین شیوه درسی خوشحال بودیم. می‌گفتم حد اقل مکتب داریم و جای داریم برای فراگیری علم و دانش. غرق دنیای کودکانه خود بودیم و دغدغه یادگیری داشتیم.

آهسته‌آهسته زمان سپری می‌شد، و ما هم در حال پیشرفت بودیم. تا این که صنف چهارم مکتب شدم. بعد از کلاس چهارم، به رفتن مدرسه هم آغاز کردم. به‌مدت دو سال مدرسه رفتم، به اندازه‌ای که می‌توانستم قرآن را با تجوید بخوانم؛ اما بنابر دلایل اقتصادی نتوانستم مدرسه را ادامه دهم.

با بالاتر رفتن سنم آرزوهایم هم بزرگ‌تر شدند. دلم می‌خواست به مکتب بهتری بروم. زمان به همین منوال سپری می‌شد، دوستانم بیشتر شدند. سعی می‌کردم روابط بهتری با استادان برقرار کنم. در مکتب از چیزی که بیش‌تر خوشم می‌آمد بردن دفترچه حاضری برای امضا به اداره بود، چون می‌توانستم از همین طریق خود را به استادانم بهتر معرفی کنم. زمان بسیار زود سپری می‌شد، به اندازه‌ای که نفهمیدم چه‌گونه به صنف دهم رسیدم. آغاز کلاس دهم شروع تازه بود، چون شامل دوره لیسه می‌شدم. پیش خود می‌گفتم، قدم به قدم به آرزوهایم نزدیک‌تر می‌شوم. مکتبم رو به اتمام بود. امتحانات فرا رسید. سعی خود را کردم که نمرات بهتری بگیرم. اما امتحانات تمام نشده بود که دوره تاریک مردم افغانستان شروع شد.

جمهوری فرو پاشید و طالبان به قدرت رسیدند. من به زمین



از صفحه ۳

دور سوم کمک‌های...

ملا عبدالصمد صادق، رییس احیا و انکشاف دهات طالبان در ولایت پروان، گفته که روند توزیع کمک‌های برنامه جهانی غذا از طریق موسسه‌های AWARD و ABPHO در سراسر این ولایت آغاز شده است. هرچند طالبان بارها از بی‌طرفی این گروه در تهیه فهرست شناسایی نیازمندان نهادهای امدادگران سخن زده، اما باشندگان محل این ادعای طالبان را «دروغ محض» عنوان می‌کنند.

شماری از باشندگان ولایت پروان از عدم توازن در توزیع این کمک‌ها شکایت کرده و می‌گویند که طالبان بیشتر این کمک‌ها را به افراد تکراری و نزدیک به خود توزیع می‌کنند. شمس‌الرحمان، یکی از باشندگان ولسوالی جبل‌السراج ولایت پروان، می‌گوید که سقف کمک‌ها در نقاطی که طالبان از گذشته‌ها به آن نقاط تسلط داشتند، نسبت به هر نقطه دیگر این ولایت بیشتر است. او در صحبت با روزنامه ۸ صبح تصریح کرد: «طالبان و نهادهای امدادگران دروغ می‌گویند که شفافیت در کمک‌ها وجود دارد. لیست‌هایی که از طرف نهادهای امدادگران تهیه می‌شوند، بی‌هماهنگی طالبان اصلاً امکان ندارد. ملک‌های روستاها تمامش از طرف خود این گروه معرفی شده‌اند و افراد را هم به میل‌شان شامل فهرست‌ها می‌کنند. من از زمانی که طالبان آمده‌اند، فقط یک بار یک بوجی آرد، روغن و کمی مواد خوراکی دیگر دریافت کرده‌ام و بس. دیگر والله اگر مزه‌اش چشیده باشم.»

نظم‌الدین، یکی از دیگر از باشندگان ولسوالی جبل‌السراج، گفت: «کمک‌ها به اقارب و دوستان خود طالبان توزیع می‌شود. در دو سال گذشته بیشتر کمک‌ها به نقاطی توزیع شد که در گذشته‌ها ناامن‌ترین نقاط بود و طالبان در آن محل‌ها حضور داشتند. تنها در ولسوالی ما بیشتر کمک‌ها به روستاهای گذر پایان که مناطق خود طالبان است، توزیع شد و قریه‌های مرکزی اصلاً از کمک‌ها خبر نشدند.»

فروتن، باشند ولسوالی سیدخیل، نیز از عدم توازن و اندک بودن کمک‌های نهادهای امدادگران در این ولسوالی شکایت دارد. او راننده یک سه‌چرخه است و روزانه از طریق آن مبلغ ۱۰۰ تا ۲۰۰ افغانی به دست می‌آورد. وی افزود: «کسی در این‌جا به مردم غریب کمک نمی‌کند. مردم از ناچاری مریض شده و به بیماری روانی مبتلا شده‌اند. کسانی را در سیدخیل می‌شناسم که نان شب‌روزشان را به بسیار مشکلات پیدا می‌کنند، اما تا هنوز کمکی دریافت نکرده‌اند. بعضی‌ها مثل من که کمک هم یکی یا دو بار دریافت کرده‌اند، اما بسیار اندک بوده است.»

حمیدآغا، باشند ولسوالی بگرام، نیز می‌گوید که برخی حتا سه تا پنج بار از کمک‌های نهادهای امدادگران مستفید شده‌اند، اما او تا کنون هیچ کمکی دریافت نکرده است. او اضافه کرد: «این مشکل نه‌تنها در سطح ولسوالی ما، حتا در سطح کشور و ولایت جریان دارد. هزاران افغانی به باشندگان پشتون‌نشین پروان به‌ویژه به باشندگان ولسوالی‌های کوه صافی و سیاه‌گرد پول نقد توزیع شد، اما ما یک افغانی هم پول نقد نگرفتیم. طالبان می‌گویند که شما در بیست سال گذشته بسیار کمک‌ها را گرفته‌اید، به همین خاطر به شما کمک نمی‌کنیم. تمام کمک‌ها به افراد و هم‌روستایی‌های خود طالبان فوکس شده است.»

با این حال، باشندگان پروان خواستار توزیع عادلانه کمک‌های نهادهای امدادگران بین‌المللی به‌ویژه سازمان ملل متحد در این ولایت‌اند؛ خواستی که در دو سال گذشته بارها از سوی شهروندان کشور تکرار شده، اما تا کنون به آن رسیده‌گی صورت نگرفته است.

با این حال، مسوولان سازمان جهانی غذا (WFP) بار بار این ادعاها می‌گویند که کمک‌های بشردوستانه این نهاد براساس بی‌طرفی و استقلال صورت می‌گیرد. وحیدالله امانی، سخنگوی برنامه جهانی غذا در افغانستان، در صحبت با روزنامه ۸ صبح گفت: «ما به‌طور مستقیم یا از طریق ادارات همکار (انجوها) براساس تشخیص نیازمندی‌های مستقل به مردم کمک می‌کنیم. هر گونه تداخل که در کمک پروگرام غذایی جهان شناسایی شود، منجر به تعلیق کمک‌ها می‌شود. تا زمانی که مطمئن شویم که مستحقین می‌توانند مستقیماً و به‌طور مضمون آن را دریافت کنند. ما مشترکاً با دیگر ادارات ملل متحد، با حاکمان فعلی در سطوح مختلف در تماس هستیم تا از استقلال کار خود و درک و احترام به اصول بشردوستانه اطمینان حاصل کنیم.»

گفتنی است که سازمان توسعه بین‌المللی امریکا نیز به‌تازگی در گزارشی اعلام کرده است که طالبان در روند توزیع کمک‌های بشردوستانه سازمان ملل نفوذ کرده‌اند و از آن طریق در کار آنان مداخله می‌کنند. براساس گزارش سازمان توسعه بین‌المللی امریکا، طالبان به کمک‌های جهانی به‌عنوان منبع درآمد می‌نگرند و به همین دلیل به دنبال انحصار و کنترل بیشتر آن هستند.

این گزارش که یک نسخه آن به دست نشریه فارن پالیسی رسیده، تایید می‌کند که طالبان به‌طور سیستماتیک در نحوه توزیع کمک‌ها مداخله می‌کند و استقلال آژانس‌های سازمان ملل متحد را در مورد تخصیص کمک‌ها در افغانستان زیر سوال برده است. نشریه فارن پالیسی می‌نویسد که طبق این گزارش که برای حکومت ایالات متحده تهیه شده و هنوز منتشر نشده است، طالبان نفوذ زیادی در کار آژانس‌های سازمان ملل اعمال کرده‌اند.

با این حال، وزارت خارجه طالبان روز چهارشنبه، چهارم اسد، در اعلامیه‌ای بار بار این گزارش مدعی شد که این گروه خود از طریق نهادهای کمک‌رسانی به نیازمندان کمک می‌کند. در اعلامیه طالبان آمده که این گروه هر ساله بخشی از درآمد داخلی خود را در اختیار خانواده‌های نیازمند قرار می‌دهد.



«بدبخت ملتے که به قهرمان نیاز دارد»

مهران موحّد

صدام حسین، رهبر پیشین عراق، هنوز هم در میان بخشی از ملت‌های عرب از مقام والا برخوردار است. او در واقعیت تاریخی از رهبران جنجالی و بحث‌برانگیز در تاریخ معاصر اعراب است و اشتباهات و جنایت‌های بسیاری را می‌توان به پای او نوشت. او با سرکوب آزادی‌های سیاسی در عراق و تبعیض علیه اقلیت‌های قومی، به نوعی زمینه را برای فجایع بعدی در عراق و منطقه هموار کرد. با این حال، بسیاری از عرب‌ها در حال حاضر وی را دوست می‌دارند و حتی با عنوان قهرمان از او یاد می‌کنند. در بعضی از کشورهای عربی، عکس‌های صدام حسین هنوز هم در خیابان‌های عمومی به چشم می‌خورد. سوال این است: چرا بعضی از شخصیت‌ها با وجود خطاهای بزرگی که مرتکب می‌شوند، بازهم در حافظه جمعی مردم، به‌عنوان فرد قابل احترام و بری از عیب و نقص جا باز می‌کنند؟ چرا ملت‌ها دوست دارند روایت متخیل از افراد عادی در تاریخ بسازند و آنان را تا سرحد قهرمان بالا ببرند و هر روز نام آن‌ها را تکرار کنند؟

برای توضیح یکی از علت‌های این موضوع گریزی می‌زنم به یکی از رساله‌های منشور عاصی. قهار عاصی بیش‌تر به‌واسطه شعرها و غزل‌هایش معروف است، اما او رساله‌ای هم به نثر به جا گذاشته است به‌عنوان «آغاز یک پایان». فعلاً آنچه برای ما اهمیت دارد این است که بر بنیاد این رساله، عاصی اندکی بعد از پیروزی مجاهدین در سال ۱۳۷۱، چهار سرخورده‌گی و یأس می‌شود و از آن جایی که از مجاهدین توقع شاعرانه و بیش از حد داشته و

گمان می‌کرده با آمدن آن‌ها، کابل به بهشت روی زمین دگربرد می‌شود، زمانی که بی‌نظمی‌ها و وقایع خونین کابل را پس از ورود مجاهدین با چشم می‌بیند، دست‌خوش شوک روانی می‌شود و نسبت به همه طرف‌ها بدبینی پیدا می‌کند و به اعتراض احساسات‌آلود، شروع می‌کند و حتی در داوری‌اش راجع به داکنتر نجیب، که روزی با شدیداللهجه‌ترین کلمات از وی انتقاد می‌کرد، لحن نرم و آشتی‌جویانه اختیار می‌کند. این اعتراض در «آغاز یک پایان» منعکس شده است. مقصود از نقل این ماجرا این است که گاهی تجربیات شخصی افراد، برداشت‌های‌شان را از تاریخ نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. برخلاف آنچه در وهله اول به نظر می‌آید، انسان بیش از این‌که پیرو منطق و استدلال سراسر باشد، غریزه و احساسات در نحوه قضاوت و کردارش دخالت تام دارد. این که صدام حسین در میان بخشی از عرب‌ها محبوبیت دارد ناشی از تجربیات تلخی است که پس از سقوط صدام، عرب‌ها از سر گذرانده‌اند. این تجربیات تلخ و دردناک، خیال تاریخی‌شان را تحت تأثیر قرار داده و دگرگون کرده است.

در ادامه این را هم می‌توان افزود که بعضی از جامعه‌ها با پناه بردن به تاریخ و چهره خیالی ساختن از شخصیت‌های محبوب‌شان، در واقع می‌خواهند از اکنون انتقام بگیرند و با زشتی و پلشتی وضع امروز به مقابله بپردازند. مردمی که در حال حاضر در وضع بدی به‌سر می‌برند و گرفتار شکست افتضاح‌آمیز شده‌اند و هیچ چیزی برای احساس

قهرمان‌پرستی آفت است و باید برای زدودن آن از جامعه تلاش ورزید. البته این را می‌دانیم که از رواج افتادن قهرمان‌پرستی در یک جامعه معلول عوامل متعدد تربیتی، محیطی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و بسیاری از این عوامل از اختیار ما بیرون است. با این‌همه، یکی از گام‌های اصلی برای از بین بردن این آفت، خلق معرفت‌شناختی‌ای است که بر واقعیت‌ها استوار باشد.

سوءاستفاده کنند و قدرت خود را برخلاف منافع جمعی به‌کار گیرند. این اتفاق تقریباً همیشه می‌افتد.

نکته دیگر این است که در جامعه و محیطی که اندیشه انتقادی رایج نباشد و بازار سنجش‌گرانه‌اندیشی بی‌رونق باشد، زمینه برای رشد روحیه قهرمان‌تراشی و بت‌سازی مهیاست. افرادی که مجهز به اندیشه انتقادی‌اند، به‌خوبی می‌توانند به مسایل، خاکستری نگاه کنند و از سیاه و سفید دیدن بپرهیزند. چنین اشخاصی هیچ وقت در دام مقدس‌سازی افراد نمی‌افتند، چون از ضعف‌ها و ناتوانی‌های بشر آگاهند و هیچ شخصی را کامل و بی‌عیب نمی‌دانند و از این‌رو، در کنار دیدن دستاوردها و افتخارات، خطاها و نارسایی‌های کارنامه شخصیت‌ها را نیز مشاهده می‌کنند. آن‌ها در نکوهش یا ستایش افراد راه مبالغه را نمی‌پیمایند.

برتولت برشت، نویسنده آلمانی، نمایشنامه‌ای درباره گالیله نوشته است. براساس این نمایش‌نامه، پس از آن که گالیله در اثر فشار کلیسا مجبور می‌شود از نظریاتش درباره کیهان دست بکشد و از کارهایش اظهار ندامت کند، باری اعتراف می‌کند این کار را از ترس شکنجه انجام داده و هیچ هدف متعالی دیگری در میان نبوده است. یکی از شاگردانش با خشم و طعنه به او می‌گوید: «بدبخت ملتی که قهرمان ندارد.» اما گالیله در پاسخ می‌گوید: «بدبخت ملتی که به قهرمان نیاز دارد.» این سخن گالیله را این‌طور تأویل کرده‌اند: آن ملتی که منتظر ظهور قهرمان است تا از شر و تباهی نجاتش دهد و به ساحل امن و عافیت برساند، ملتی است بدبخت، درمانده و منفعل؛ چنین ملتی از توانایی‌های خود آگاهی ندارد و ممکن است برای مدت‌های طولانی در قعر بدبختی و فلاکت باقی بماند. بعضی‌ها گفته‌اند که مقصود گالیله این بوده که ملت‌های بدبخت به قهرمان ضرورت دارند؛ مردمی که در رفاه و آسایش به‌سر می‌برند اصلاً احساس نیاز به ظهور قهرمان منجی نمی‌کنند. در هر صورت، قهرمان‌پرستی در جوامع نورمال کم‌تر روی می‌دهد. قهرمان‌ها در محیط‌هایی ظهور می‌کنند که برای پرواز آن‌ها، به قدر کفایت زمینه وجود داشته باشد.

قهرمان‌پرستی آفت است و باید برای زدودن آن از جامعه تلاش ورزید. البته این را می‌دانیم که از رواج افتادن قهرمان‌پرستی در یک جامعه معلول عوامل متعدد تربیتی، محیطی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است و بسیاری از این عوامل از اختیار ما بیرون است. با این‌همه، یکی از گام‌های اصلی برای از بین بردن این آفت، خلق معرفت‌شناختی‌ای است که بر واقعیت‌ها استوار باشد، خواه از پذیرش این واقعیت‌ها خوش‌مان بیاید یا خوش‌مان نیاید.

غرور و افتخار در اختیار ندارند، ناگزیرند به گذشته چنگ بزنند و عناصری را از تاریخ پیدا کنند تا همه آرزوهای برآورده‌نشده خود را بر آن‌ها سوار کنند. طبعاً برای این که بتوانید آرمان‌های متعالی را به آن شخصیت تاریخی پیوند بزنید، ناگزیرید تاریخ را تحریف کنید و بسیاری از حقایق و مستندات را نادیده بگیرید و در عوض، وقایع دیگری را از پیش خود جعل کنید و برای آن شخصیت تاریخی فضیلت و فرزانه‌گی بتراشید. حقیقت امر آن است که دکان قهرمان‌پرستی از جنس قهرمان‌های رزمی و سیاسی، بیش‌تر در جوامع عقب‌مانده، سرخورده و گرفتار انفعال رواج و رونق دارد.

این نکته را هم نباید نادیده گرفت که در جامعه‌های ما مردم به علت ناآگاهی، زمین‌گیر شدن از جهت ضعف اقتصادی و همچنین نبود تشکل‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی نمی‌توانند کار موثری در جهت تغییر وضع موجود انجام دهند. به همین جهت منتظر می‌مانند تا دستی از غیب برسد و برای‌شان کاری بکند. چنین جامعه‌هایی از افرادی که شجاعت ابراز وجود داشته باشند و در برابر ناروایی‌ها صدا بلند کنند، استقبال و زمینه رشد و صعودشان را فراهم می‌کنند و به سرعت پیرامون آن‌ها افسانه‌ها می‌پردازند و داستان‌ها می‌سرایند. در هر جامعه‌ای ممکن است افرادی باشند که توانایی و کاریزما داشته باشند، اما تا زمانی که یک جامعه به آن‌ها پروبال ندهد، امکان ندارد که آن‌ها به جایگاه قهرمان برسند. البته بسیار احتمال دارد این قهرمان‌ها پس از به‌دست‌آوردن اقتدار، از آن

ایران و طالبان؛

خوش بینی زودگذر و در دسر دوام‌دار

فداحسین حسینی

خلاف خوش‌باوری ایران نسبت به روی کارآمدن دوباره گروه طالبان، در دو سال اخیر رژیم طالبان نشان داده که رابطه با این گروه خالی از درد سر نیست. سیاست نرمش سران ایران نسبت به رژیم طالبان، به نفع ایران تمام نشده است. طی دو سال پس از آغاز سلطه طالبان بر افغانستان، این گروه بارها با مرزبانان ایرانی درگیر شدند و همین حالا هم دو طرف تنش و اختلاف دارند. هرچند برای حل این چالش‌ها و نزاع‌ها تلاش‌های دیپلماتیک از دو جانب صورت گرفته، ولی تا حال این تلاش‌ها نتیجه نداده است. موارد درشت اختلاف طالبان و ایران را چگونه‌گی تقسیم حقیقه رود هلمند، مساله مهاجران، درگیری و اختلاف‌های مرزی و مساله تروریسم و رادیکالیسم تشکیل می‌دهد. این اختلاف‌ها ریشه‌های تاریخی درازی دارند و از دیر

باز عامل تنش دو کشور بوده‌اند، اما در رژیم طالبان شدت گرفته‌اند. تمرکز این یادداشت صرفاً روی مساله تنش آبی دو کشور است.

روابط ایران و طالبان

ایران در بیش از دو دهه اخیر با طالبان رابطه داشته است. روابط ایران با طالبان دارای پیچیده‌گی است و به دشواری می‌شود بر آن نامی نهاد. ایران با طالبان نه دوست است، نه دشمن و نه متحد؛ اما آن‌چه واضح است، دو طرف همواره برای دنبال کردن منافع خود با یک‌دیگر کار می‌کنند. در بیست سال جنگ گروه طالبان علیه دولت و ملت افغانستان، ایران یکی از پشتی‌بانان آن گروه بود. تهران به طالبان سلاح، پول و پناه‌گاه داد تا با آمریکا و متحدانش بجنگند و اجازه ندهند که امریکایی‌ها پایگاه‌های نظامی خود را در نزدیکی مرز دو کشور بسازند و از آن‌ها در برابر ایران

استفاده کنند. آن حمایت ایران از طالبان، به منظور مقابله با دشمن مشترک آن‌ها آمریکا بود. آن رابطه بر منفعت فوری دو طرف استوار شده بود.

پس از قدرت‌گیری مجدد طالبان نیز شاهد دوام همکاری‌های دو طرف بوده‌ایم. ایران همه نماینده‌گی‌های دیپلماتیک کشور را به طالبان سپرده و برای گسترش روابط خود با این گروه تلاش کرده است؛ اما ظاهراً مواردی مانند حقیقه هلمند، جدی‌ترین مساله اختلافی حال حاضر دو طرف است. این موارد، روی روابط دوجانبه ایران و طالبان سایه افکنده است.

لجاجت طالبان در مورد حقیقه هلمند

جنجالی‌ترین مورد اختلافی ایران با طالبان در دو

سال گذشته، مساله حقیقه هلمند بوده است که چندین بار دو طرف را به مذاکره و گفت‌وگو کشانده و در مواردی حتا سبب تنش‌های لفظی شده است. طرف ایران طالبان را متهم به کارشکنی می‌کند و می‌گوید که این گروه میزان آب تعیین شده در معاهده آب دوجانبه را به سمت ایران جاری نمی‌سازد. سال ۱۳۵۱ خورشیدی میان محمدموسا شفیق و امیرعباس هویدا، نخست‌وزیران وقت دو کشور، امضا شد. بر مبنای این معاهده، در صورت کافی بودن آب دریای هلمند سهم ایران از آن ۸۲۰ میلیون مترمکعب تعیین شده بود.

ادامه در صفحه ۷



ایران و طالبان...



ایران که طالبان را به نادیده گرفتن این معاهده متهم می کند، هشدارهایی نیز به آدرس طالبان فرستاده است. سیدابراهیم ریسی، رئیس جمهور ایران، چندی پیش در سخنانی تندی به رفتار طالبان اعتراض کرد و برای این گروه خطونشان کشید. حالا که بیش از ۸۰ روز از هشدار ریسی جمهور ایران می گذرد، دو طرف تا حال به توافقی دست نیافته اند. هرچند شاهد مذاکرات دوامدار دو طرف و بسیج دستگاه دیپلماسی و مسوولان ذی ربط ایرانی به ویژه در مساله آب بودیم، ولی تا کنون مردم سیستان و بلوچستان ایران می گویند که تشنه اند.

دولت ریسی، مساله حقایق هلمند را یکی از اولویت های خود در رابطه با طالبان قرار داده است. ابراهیم ریسی در سفر در سیستان و بلوچستان در ۱۸ تیر سال جاری، به طالبان در مورد سپردن حقایق هلمند داد. آن هشدار با پاسخ طالبان مواجه شد. طالبان با انتشار بیانیه ای که به امضای رئیس الوزرای این گروه رسیده بود، در پاسخ به هشدار ریسی جمهور ایران نوشت:

«مواقت نامه آب میان ایران و افغانستان در سال ۱۳۵۱ امضا شده» و این گروه به آن متعهد است، «اما اولویت ما تامین آب مردم افغانستان است». در این اواخر اعتراض ها به خاطر کم آبی در بعضی از شهرهایی که در امتداد دریای هلمند قرار دارند، بالا گرفته است. به گزارش روزنامه حکومتی جمهوری اسلامی، ۱۴ اسد ماه روان، مردمان منطقه سیستان، شهرستان های زابل، زهک، هامون، هیرمند و نیمروز در تظاهراتی خواهان «تحقق حقایق هیرمند و هامون» از سوی طالبان شدند. معترضان با سردادن شعارهایی چون «حقابه سیستان، آزمون دولت مردان»، «اصلاح بند کمال خان پیام مردم سیستان»، «نجات تالاب هامون مطالبه حیاتی» و... خواستار رعایت حقایق ایران شدند.

برمبنای گزارش این روزنامه، که عکس های ماهواره ای را اساسی قرار داده، ادعای مقامات طالبان مبنی بر نبود آب کافی در سد کجکی «کذب» است. این گزارش خبری طالبان را متهم به بدعهدی کرده و سیاست طالبان را «جنگ آبی علیه ایران» خوانده است. اما طالبان همواره اتهامات مقامات ایرانی را رد کرده و دلیل کاهش جریان آب به ایران را کاهش بارندگی و کم شدن سطح آب می دانند. این گروه همواره خود را متعهد به معاهده آبی مشترک میان دو کشور می خواند.

خلاف تصور سران سیاسی ایران، روابط این کشور با رژیم طالبان بی دردسر نبوده است. بالا گرفتن اختلاف روی حقایق هلمند، نشان دهنده شکننده گی روابط ایران با طالبان است. هر چند دولت مردان ایرانی در تلاش گسترش روابط خود با رژیم طالبان بوده اند، اما طالبان شریک و طرف قابل اعتمادی نیست.



دکتر خالده فروغ

واصف باختری و کارنیزمای ادبی



که فضای زبانی و بیانی کهن و معاصر را به هم می رساند. او زمان های از دست رفته را در شعر خود بازآفرینی می کرد. از گذشته نبریده بود و امروز را نیز فراموش نکرده بود و از هر دو چهره جدیدی آرایه می کرد. کلمه ها را با هنجار در جای شان می نشاند و هم نشینی شگرفی به آن ها می داد. کلامش بافت فلسفی می یافت.

اگر نیما و شاعران دیگری در ایران نوآوری کردند، واصف باختری نیز نگاه ویژه خود را داشت و راه خود را با گام های استوار رفت و نقش خود را خودمحرورانه بازی کرد و زبان پارسی هنر او را همیشه ارج گزار خواهد ماند. جذابیت شخصیت و شعر و سخن او از میان متن هایش بروز می کرد، نه این که خودش بکوشد و تلاش داشته باشد برای مطرح شدن.

باری در شهر دوشنبه تاجیکستان استاد مومن قناعت را دیدم. او از استاد واصف باختری یادی کرد و گفت که در زمان اقتدار حکومت های دموکراتیک در افغانستان واصف باختری گاه گاهی با جمعی از نویسندگان و شاعران حزبی و غیرحزبی به تاجیکستان می آمد، اما کمتر در پشت تریبون قرار می گرفت و کمتر حرف می زد؛ یعنی دیگران بیشتر در صف اول می نشستند و بیشتر حرف می زدند.

واصف باختری خودخواه نبود. متانت در چشم هایش خوانده می شد. او از چپستی سرمایه ادبی اش آگاه بود، بنابراین اگر در صف اول می نشست یا نمی نشست، هر جایی که می نشست، آن جا صف اول بود. شعرش چنان پرچمی که هویت بخش وطنی و زبانی باشد، از نخستین روزهای مطرح شدنش افراشته بود. او ادامه یافت، کهنه نشد، فرسوده نشد، زمان را هویت بخشید. نقد همیشه هست، به هر شیوه ای، ولی مهم این است که پی در پی در بلندا بماند و همیشه در اوج پرواز کند. این ها ویژه گی هایی است که در کلیت می توان از یک هنرمند و شاعر ماندگار به شمارش گرفت. او در شعرش با مقاومت و مبارزه همراه است: پرنده ای که از آن اوج اوج جوهر شب غریو برمی داشت

ایا چکاوکها
قراولان خوابند
گشاده بال تر از بادهای سرگردان
ز آشیانه ی خونین خود فرود آید
که زهر حادثه را در گلولی شب ریزیم
چو دانه دانه ی باران به روی شب ریزیم
ز بام سرخ شقایق به کوی شب ریزیم
بر آستان شفق آبروی شب ریزیم

من در سال های پیشین درباره استاد واصف باختری، از زبان نجم العرفا حیدری وجودی، شاعر غزل سرای تصویرپرداز ما، حرف ها و سخن های نیکویی شنیده بودم. بعدا چندین بار او را در کتابخانه عامه شهر کابل در دفتر استاد وجودی دیدم و در چندین عرس مولانا جلال الدین محمد بلخی که از سوی دوست داران مولانا هر سال برگزار می شد، در حضور استاد حیدری وجودی

و استاد واصف باختری شعر خواندم. از این که استاد واصف باختری همیشه ریاست مجلس عرس مولانا را برعهده می داشت، پس از این که شعر تمام می شد، نگاه بزرگوارانه شان را آرایه می کرد. اما سال های بعد در شهر پشاور پاکستان استاد واصف باختری را بیشتر دیدم و شناختم.

شیخ اشراق سهروردی را دوست می داشت و به حضرت بیدل حرمت فراوان می گذاشت. همواره شعر بیدل را بر زبان داشت. از ملک الشعرا قاری عبدالله همواره یادآوری می کرد و شعر می خواند. همچنین از ملک الشعرا بهار، شاعر شهیر آن سال های ایران، حرف می زد. بیت های بهار را که در ستایش قاری عبدالله سروده شده بود، از زبان استاد باختری شنیده بودم. می گفت این بیت ها در چاپ های بعدی دیوان ملک الشعرا بهار جا ندارد:

دوستانی دارم اندر خطه ی بلخ و تخار
کز وفا مانند جان گیرند اندر بر مرا
کفش برداری کنم در محضر قاری اگر
به که در ایران فروغی جا دهد بر سر مرا
تا زبان پارسی زنده ست من هم زنده ام
گر به خنجر حاسد دون بردرد خنجر مرا...

حرف ها و یاد های فراوانی از استاد باختری دارم که در برگ های خاطره هایم آن ها را خواهم نگاشت.

واصف باختری تنهایی گسترده ای داشت، اما می ساخت به نحوی با روزگار کنار آید. در نهادش از تنهایی توفانی برپا بود. آن تنهایی به گونه ای در سیمای شعرهایش بازتاب یافته است. در جایی استاد واصف باختری به صورت مستقیم از تنهایی حرف می زد: نگیری در پناهش گر تو ای انبوه تنهایی
بمیرد تک درخت پیر از انده تنهایی
من از افسانه ی سنگ و سبو با دل چه ها گویم
که بر این شیشه افتاده ست حجم کوه تنهایی

آنگاه که به غربت غرب رفت، سکوت را پسندید و سکوت را بیشتر از صدا ارزش نهاد؛ چون سکوتش همان صدا بود. این شعرش را که در سوگ قهار عاصی خوانده بود، حالا هم خوانی پیدا می کند به معنای سکوتش:

دل از امید، خم از می، لب از ترانه تهی ست
امید تازه به سویم میا که خانه تهی ست
زبان خشم و غرور از که می توان آموخت
که خوان هفتم تاریخ جاودانه تهی ست
خروش العطش از رودخانه ها برخاست
ستیغ و صخره ز فریاد عاصیانه تهی ست
به سوگواری سالار خاک و نیلوفر
غزل ز واژه ی زرین عاشقانه تهی ست
مگر عقاب دگر باره بر نمی گردد
که کوهسار غمین است و آشیانه تهی ست؟

مرگ نقطه عطف برای هر شخصی می تواند باشد، اما بعضی مرگ ها بازتابی دارند برای زنده ماندن، و استاد واصف باختری با فره ایزدی که داشت، همیشه در متن بود و در متن خواهد ماند.

استاد واصف باختری شخصیتی کاریزماتیک بود. می خواهم کلمه کاریزما را با ادبیات پیوند بدهم و ترکیب «کاریزمای ادبی» را بسازم و آن را درباره شخصیت استاد واصف باختری به کار ببرم. بنابراین، می گویم واصف باختری کاریزمای ادبی داشت. سه ویژه گی مهم و برجسته در استاد واصف باختری پدیدار بود که هر کدام حرف های زیادی را به دنبال دارد: بزرگ بود، مهربان بود و تنها بود. استاد واصف باختری نخستین بار با زبان و تفکر تازه و هوای نوپردازی وارد جامعه ادبی سرزمینی به نام افغانستان شد. اگر چه پیشتر از او شخصیت های دیگری نیز در این جاده قدم زده بودند، اما واصف باختری چشم گیر وارد شد و قلم و زبان شعرش جذابیت شگفتی انگیز خود را داشت. او انسانی بی مانند و شکوهستانی از شعر، دانایی و معرفت بود.

استاد واصف باختری در قالب نیمایی آن قدر خیال و نگاه و زبان ویژه خودش را با کلمه ها نقاشی کرد که دنیایی آفرید و تاثیرگذارترین شد. ای کبوتران غم
آشیان گزیده بر فراز باره ی بلند شعر نانوشته ام
آیه ی شگفتن و شکست من
گر دگر تهی ست دست من چو باغ جاودانه
بی بهارتان
ارزن سرشک های بی گسست من نارتان

غزل هایش نیز رویای دیگری است که در چشم پارسی بیدار است. نمی خواهم استاد واصف باختری را لقبی بدهم که پیوند داشته باشد به یکی از قله های کلاسیک و معاصر حوزه بزرگ پارسی. مثلا نمی خواهم بگویم واصف باختری نیمای روزگار ما بود یا... می خواهم استاد واصف باختری را در حوزه تسلط خودش در شعر و زبان و اندیشه با خودش تعریف کنم؛ چرا که خودش برای زبان و سرزمینش قله ای معاصر بود. در کوچه های شعر استاد واصف باختری، نمادها در رفت و آمدند. بر دیوارها و سقف بلند شعر واصف باختری، تصویرها و تابلوها نشان دهنده سترگ بودن اویند. شعر استاد باختری با اندوه عمیقش لذت بخش است. او مویه های اسفندپار گم شده بود. با خودش از غم سخن می گوید:

ای مرد خاکستری موی
از غصه ی خاکستری پوش
در نهایت غم انگیز بودن شعرش، طنز تلخ نیز از کلکین واژه هایش سر می کشد:
شبی که قصه ی فانوس و باد می گفتند
چراغ ها همه گی زنده باد می گفتند
یا در این جا:
سلام باد ز ما کاشفان آتش را
که روز اول جشن کتاب سوزان است

استاد واصف باختری اسطوره پرداز واقعی بود. او گذشته و امروز را باهم پیوند می زد؛ یعنی در اشعارش صحنه های دل انگیزی را ساخته است

صبح
روایت دیروز، آینه امروز، نوید فردا

صاحب امتیاز: سنجر سهیل
مدیرمسوول: محمد محق
سردبیر: حسیب بهش
تحلیل گران: یونس نگاه، علی سجاد مولایی
دبیر گزارش ها: فهیم امین
دبیر تولید: محمد نوید جویرا

Sanjar.sohail@8am.media
Mohammad.moheq@8am.media
Hasib.baresh@8am.media

خبرنگار ارشد: امین کاوه
ویراستاران: محمدعلی نظری، مقیم مهران
صفحه آرایی: رضا مرادی
پذیرش مقالات: Info@8am.media
پذیرش اعلان: ۰۷۰۰۱۷۵۵۱۰ - ۰۷۸۸۷۸۷۹۹
نشانی پستی: صندوق پستی ۰۳۸-۰۲۵، پسته خانه مرکزی، کابل، افغانستان
صبح نوشته ها را ویرایش می کند. سرمقاله بازتاب دهنده دیدگاه صبح است.
سایر دیدگاه های مطرح شده در مقاله ها، به نویسندگان آن برمی گردد.

Publisher: Sanjar Sohail, Sanjar.sohail@8am.media

Editor-in-Chief: Mohammad Moheq
Mohammad.moheq@8am.media

Facebook.com/8am.media
Youtube.com/Hashtesubhdaily
Twitter.com/@Hashtesubhdaily
instagram.com/8am.media_official
www.8am.media

۸ صبح، کابل: تیم ملی فوتبال افغانستان در نخستین دیدار در رقابت‌های جام قاره‌ای کانترینتال در برابر جمهوری چک به نتیجه مساوی دست یافت. دیدار دو تیم که روز دوشنبه، ۱۶ اسد، در تایلند برگزار شده بود، با نتیجه چهار بر چهار پایان یافت. در این دیدار افغانستان در حالی که نیمه نخست را دو بر سه بازی را واگذار کرد بود، اما در نیمه دوم بازی دو بر یک پیروز شد تا نتیجه بازی چهار بر چهار مساوی شود. رقابت‌های جام میان قاره‌ای امروز در شهر بانکوک تایلند آغاز شد و تا تاریخ ۱۳ ماه اگست ادامه دارد.

پایان نشست صلح اوکراین در جده؛ کی‌یف آن را ماثمرو مسکو بیهوده خواند

خروج روسیه از قرارداد غلات دریای سیاه متمرکز بود. این اجلاس به‌عنوان یک فشار دیپلماتیک از سوی کی‌یف برای توسعه مشارکت فراتر از حمایت غربی‌اش تلقی شده است.

از سوی دیگر، سرگئی ریابکوف، معاون وزیر خارجه روسیه، این نشست را بخشی از تلاش‌های بیهوده و محکوم به شکست غرب خوانده است.

ریابکوف گفته است که روسیه قصد دارد در مورد نتایج رایزنی‌های جده با شرکای اقتصادی خود که در این نشست شرکت کرده‌اند، بحث کند.

هم‌زمان با پایان نشست صلح اوکراین در جده، الکساندر پروکودین، والی خرسون، گفته که نیروهای روسی یک‌شنبه‌شب، ۶ اگست، یک ساختمان مسکونی را در این منطقه هدف قرار داد که در نتیجه آن که یک تن کشته و چند تن دیگر زخمی شده‌اند.

این در حالی است که دو روز پیش نیز در پی حملات هوایی نظامیان روسی در بخش‌های مختلف این کشور شش کشته شدند.



امریکا، در مورد تضمین‌های امنیتی اوکراین گفت‌وگو کرده است.

یرماک در تلگرام گفته است: «با سالیوان درباره نیازهای دفاعی اوکراین، به‌ویژه دفاع هوایی برای حفاظت از زیرساخت‌های بندری در جنوب اوکراین بحث کرده‌ام.» این مقام اوکراینی همچنان افزوده است که موضوع کی‌یف با کشورهای اروپایی بر حمایت اقتصادی و امنیتی به‌ویژه یافتن راه‌هایی برای ادامه صادرات غلات اوکراین پس از

رسانه‌های بین‌المللی گزارش دادند که یک روز پس از پایان نشست نماینده‌گان ۴۰ کشور در مورد صلح اوکراین در شهر جده عربستان سعودی، آندری یرماک، مشاور رییس جمهور اوکراین، این نشست را یک گفت‌وگوی صادقانه و باز در مورد اصول کلیدی که کی‌یف می‌خواهد مبنای صلح باشد، خوانده است.

اسوشیتدپرس روز دوشنبه، ۷ اگست، گزارش داده که یرماک در دیدار با جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی

وکیل نخست‌وزیر پیشین پاکستان: عمران خان در یک سلول کوچک، کثیف و درجه سه زندانی است

این کشور درخواست کردند تا شرایط بهتری را در زندان برای نخست‌وزیر پیشین پاکستان فراهم کنند.

عمران خان، که قهرمان سابق کریکت است و اکنون ۷۰ سال دارد، از سال گذشته با رای عدم اعتماد پارلمان از سمت نخست‌وزیری این کشور برکنار شد. پولیس پاکستان روز شنبه هفته جاری خان را در خانه‌اش در شهر لاهور بازداشت کرد و به زندانی در منطقه آتک در نزدیکی اسلام آباد، پایتخت پاکستان، منتقل کرد. دادگاه او را به اتهام اختلاس و فروش غیرقانونی هدایای دولتی مجرم شناخته و به سه سال محکوم کرده است. با این حال، زندانیان سیاسی در پاکستان حق برخورداری از امکانات بهتر «درجه دو» از جمله دسترسی به تلویزیون، روزنامه و کتاب را دارند.

یک تن از اعضای تیم حقوقی عمران خان، نخست‌وزیر پیشین پاکستان، می‌گوید که خان در یک سلول کوچک، کثیف و درجه سه زندانی است و امکاناتی را که زندانیان سیاسی از آن برخوردار باشند، ندارد.

بربنیاد گزارش گاردین، نعیم پنجوتا، یکی از وکلای خان روز دوشنبه، ۷ اگست، در اسلام‌آباد به خبرنگاران گفته که با موکلش کمتر از دو ساعت دیدار داشته است.

پنجوتا با اشاره به شرایط زندان عمران خان گفت که نخست‌وزیر پیشین پاکستان، در سلول کوچکی در بند است که «یک دست‌شویی روباز دارد که روزها پر از مگس، و شب‌ها پر از حشرات است.»

به گفته اعضای تیم حقوقی عمران خان، آنان از مقام‌های



نتانیاهو در دیدار با اعضای کانگرس امریکا خواستار

گزینه نظامی در برابر ایران شد

نخواهیم بود که آن‌ها در آن بتوانند، اسرائیل را نابود کنند و بخواهند که با یک بمب کار یک کشور را تمام کنند. این سخنان نفرت‌انگیز است، اما واقعیت آن‌ها را نشان می‌دهد. ما هر چه در توان داریم به کار می‌گیریم، با موافقت یا بدون موافقت [امریکا] تا از خود دفاع کنیم.»

دفتر حکیم جفریز، رهبر دموکرات‌ها در مجلس نماینده‌گان امریکا، اعلام کرده بود که توانایی هسته‌ای ایران یکی از موضوعاتی است که نماینده‌گان کانگرس در سفر خود با اسرائیل درباره آن مذاکره خواهند کرد.

این اظهارات در حالی است که آخرین ارزیابی‌های اطلاعاتی ایالات متحده نشان می‌دهد که ایران اکنون به‌دنبال ساخت سلاح هسته‌ای نیست، اگرچه فعالیت هسته‌ای خود را افزایش داده است. با این حال تنش‌ها میان ایران و ایالات متحده طی هفته‌های اخیر به‌ویژه در منطقه خلیج فارس افزایش یافته است.

واشینگتن از اعزام بیش از سه هزار ملوان و تفنگدار دریایی به منطقه خاورمیانه برای مقابله با اقدام ایران در توقیف کشتی‌های خارجی خبر داده است.



بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل در جریان دیدار با شماری از اعضای دموکرات مجلس نماینده‌گان امریکا خواستار گزینه نظامی در برابر ایران شد.

بربنیاد گزارش تایمز اسرائیل، نتانیاهو این اظهارات روز دوشنبه، ۷ اگست، مطرح کرده است.

او تصریح کرد: «مهم‌ترین مسئله اعلام یک تهدید نظامی قاطع علیه ایران است. مسئله دیگر هم اجرای آن است. ما نمی‌خواهیم شاهد دنیایی باشیم که ایران در آن بتواند نیویارک یا واشنگتن یا لس‌آنجلس یا هر منطقه دیگری را در این میان با سلاح هسته‌ای تهدید کند.»

نتانیاهو اضافه کرد: «به‌طور حتم شاهد جهانی

انفجار در سیلوهای غلات در ترکیه؛ دست‌کم ۱۲ تن زخمی شدند

بربنیاد گزارش‌ها، در اثر انفجار در سیلوهای غلات در بندر درینجه ترکیه، ۱۲ تن زخمی شده‌اند که از این میان وضعیت سه تن از آنان وخیم گزارش شده است.

به گزارش دیلی صباح، مقام‌های امنیتی ترکیه گفته‌اند که ارزیابی‌های اولیه نشان می‌دهد که

فشرده‌سازی غبار گندم در حین انتقال آن از کشتی به سیلو عامل این انفجار بوده است.

سدار یاووز، فرماندار ولایت کوچایلی که بندر درینجه در آن موقعیت دارد گفته که این انفجار حوالی ساعت ۲:۴۰ دقیقه پس از ظهر رخ داده است.

یاووز افزوده است: «به ما گفته شد که از نظر فنی امکان وقوع انفجار به‌دلیل فشرده شدن گرد و غبار گندم وجود دارد، اما ما در حال بررسی هر دلیل ممکن هستیم.»

یاووز اضافه کرده است: «در پی این حادثه تیم‌های بهداشتی، جست‌وجو و نجات و آتش‌نشانی به سرعت به منطقه منتقل شدند.»

به گفته او، در این حادثه ۱۳ سیلو و ساختمان‌های اطراف آن آسیب دیده‌اند.

انفجار در سیلوهای غلات ترکیه بی‌پیشینه بوده است.



چهار سرباز سوری در حملات موشکی اسرائیل کشته شدند

رسانه‌های دولتی سوریه گزارش دادند که چهار سرباز سوری در حملات موشکی اسرائیل در نزدیکی دمشق، پایتخت این کشور کشته و چهار سرباز دیگر این کشور زخمی شده‌اند.

فرانس ۲۴ به نقل از یک منبع نظامی گزارش داده که این حمله حوالی ساعت ۲:۰۰ صبح روز دوشنبه، ۷ اگست، انجام شده است.

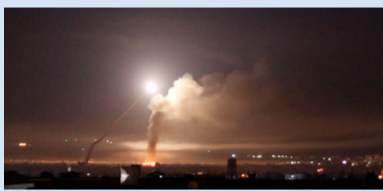
این منبع که از وی در خبر نام گرفته نشده گفته است: «حدود ساعت ۲:۲۰ بامداد امروز، دشمن اسرائیلی از سمت بلندی‌های جولان اشغالی سوریه، نقاطی در اطراف شهر دمشق را هدف قرار داد.»

این منبع افزوده است که سیستم دفاع هوایی سوریه موشک‌های اسرائیلی را رهگیری و تعدادی از آن‌ها را از بین برده است.

اسرائیل سال‌هاست که حملات را علیه مراکز نظامی ایران در سوریه انجام می‌دهد.

ایران پس از جنگ داخلی سوریه در سال ۲۰۱۱ پشتی‌بانی قاطعش را از بشار اسد، رییس جمهور این کشور اعلام کرده است.

این در حالی است که پیش از این نیز گزارش‌های از انجام حملات هوایی اسرائیل علیه مواضع نظامیان مربوط به ایران در خاک سوریه منتشر شده است.



وزیر خارجه اوکراین از امریکا موشک‌های دوربرد اتک‌مز درخواست کرد

وزارت خارجه اوکراین از گفت‌وگوی تلفنی دیمیتر کولبا، وزیر امور خارجه این کشور با آنتونی بلینکن، همتای امریکایی‌اش خبر داده است.

این وزارت در کانال تلگرامی‌اش نوشته که کولبا روز دوشنبه، ۷ اگست، در این تماس تلفنی از ایالات متحده درخواست موشک‌های دوربرد «اتک‌مز» کرده است.

وزارت امور خارجه اوکراین تصریح کرده است: «دمیترو کولبا از کمک‌های نظامی که قبلاً ارایه شده از ایالات متحده قدردانی کرده و خواستار ارسال ATACMS برای تقویت قابلیت‌های دوربرد اوکراین شد.»

پیشتر جیک سالیوان، مشاور امنیت ملی امریکا، گفته بود که بایدن با ولادیمیر زلنسکی درباره تامین موشک‌های تاکتیکی ATACMS به اوکراین گفت‌وگو می‌کند، اما هنوز تصمیمی در این زمینه گرفته نشده است.

موشک‌های تاکتیکی «اتک‌مز» یک موشک دوربرد و سطح‌به‌سطح است که تولید و عرضه این موشک‌ها برای ارتش امریکا محدود است و در فهرست تسلیحاتی که طبق اعلام پنتاگون برای تحویل به اوکراین تاییدیه می‌گیرند، قرار نداشته است. چندی پیش نیویورک تایمز گزارش داده بود که دولت جو بایدن، رییس جمهوری ایالات متحده در حال بررسی تحویل موشک‌های «اتک‌مز» به اوکراین است.